

تحلیل یا تحقیر؟

درباره نقد مردم در سینمای ایران



رضا صائمی

خبرنگار گروه فرهنگ

از جمله نقدهایی که به برخی فیلم‌های ایرانی به‌ویژه در ژانرهای تاریخی و فیلم‌های اجتماعی وارد می‌شود، نقد خلیقات مردم است. جالب اینکه دامنه این نقدها دو طیف جریان اصول‌گرا و جریان روشنفکری را شامل می‌شد که برخی از نمایندگان آنها نسبت به بازنمایی تصویر مردم در این فیلم‌ها معترض بوده و آن را مخدوش کردن عزت و جایگاه مردم و تحقیر آنها می‌دانند. گرچه خاستگاه نظری و ایدئولوژیک آنها با هم متفاوت بود اما به نظر می‌رسد هر دو جریان بیشتر در خوانشی فرامتنی به نقد این مسئله پرداختند. نه در نقد درون‌متنی و نسبت دراماتیک این مسئله با قصه و درام، در واقع این نقدها اغلب برساخته از خوانشی تأویلی و نشانه‌شناختی از تصویر مردم در فیلم‌هاست، گرچه نمی‌توان آن را نادیده گرفت یا از اساس منکر شد. چه آنکه فیلمسازان گاهی در پس‌قصد و لایه‌های درونی اثر، روایت و تحلیل خود را از یک پدیده یا مسئله در بازنمایی‌های نمادین فیلم‌هایشان صورت‌بندی می‌کنند تا منتقد یا مخاطب، آنها را از ضمیر ناخودآگاه فیلم کشف و رمزگشایی کند. نقدهایی که خود نیازمند نقد هستند و باید به پرسش گرفته شوند تا سره از ناسره روشن شود. مثلاً اینکه فیلم «آلا» به تأثیر مخرب باورهای غلط و تعصب‌های کور در یک روایت فولکلوریک می‌پردازد آیا قصدش تحقیر مردم است؟ یا اگر در فیلم «بی همه چیز» مردم روستا در یک وضعیت دوگانه و ریاکارانه در برابر قهرمان قصه قرار می‌گیرند که منطق دراماتیک هم‌پشت آن است، به معنای تحقیر مردم است؟ آیا اساساً هر قصه، فیلم و اثری که به نقد یا تحلیل رفتار مردم می‌پردازد، قصد تخریب آن را دارد؟ اگر اینگونه باشد که رشته‌های مردم‌شناسی و جامعه‌شناسی که از طریق شیوه‌های مردم‌نگاری یا آسیب‌شناسی اجتماعی به رفتارشناسی مردم و جامعه دست می‌زنند، از بنیان ضمیمه‌ای اند. بر این مبنا کتاب‌هایی مثل «جامعه‌شناسی خبیثه‌کشی» علی‌رضاقلی یا «ما ایرانیان» مسعود فرستخواه یا «خلقیات ما ایرانیان» محمدعلی جمالزاده و مقالات و سخنرانی‌های دکتر مسعود سریع القلم که به نقد ایرانیان می‌پردازد و همه آثار و تألیفات خودانتقادی‌ای که نقد فرهنگ عمومی و رفتار توده مردم را دستمایه پژوهش خود قرار داده‌اند، محکوم به مردم‌ستیزی هستند، نه مردم‌شناسی. در همین سینما هم هر کس جایزه و سیم‌برگی نمی‌برد یا فیلمش مورد توجه منتقدان قرار نمی‌گیرد، می‌گوید من جایزه‌ام را از مردم می‌گیرم یا برای مردم فیلم می‌سازم، نه منتقدان. اما همه‌ی واقعیت این نیست. مردم نه به‌مثابه یک توده بی‌شکل بلکه به‌عنوان اقلیت و طبقات اجتماعی هوشمند همواره یکی از مهم‌ترین سوزده‌های پژوهش در علوم انسانی و اجتماعی بوده‌اند یا در کوچ و خیابان خودشان به نقد خودشان می‌پردازند. ما هر روز شاهدیم که خود مردم در محاورات روزمره به نقد مردم دست می‌زنند و به این نتیجه می‌رسند که «از ماست که بر ماست». مردمی که هم نقد می‌کنند هم نقد می‌شوند و در همین دیالکتیک نقادانه به فهم اثر بخش و کنشگری اجتماعی دست می‌زنند، لذا نقد مردم در ذات خود عیب نیست و به‌اصطلاح ماقبل نقد نیست. آری زمانی که در یک موقعیت دراماتیک، تحقیر مردم به‌معنای تطهیر قدرت باشد، می‌توان آن را در کانون نقد و آن‌هم نقد بی‌رحمانه قرار داد اما هر نقدی به مردم یا فرهنگ عمومی لزوماً به معنای تحقیر مردم نیست. در سینمای مستند چه بسیار آثاری که به نقد یک سنت یا تفکر و آیینی غلط قومی و بومی پرداخته شده که قصدشان نه تحقیر که تنبیه و خودآگاهی مخاطب بود. نقد رفتارهای پرخطر در مراسم چهارشنبه‌سوری یکی از مصادیق همین نقد رفتار عمومی است که بیش از همه توسط خود مردم انجام می‌شود. در سینمای داستانی هم فیلم‌های زیادی بودند که به نقد یک سنت و آداب و عادات اجتماعی و مبتلا به مردم در سطح ملی یا قومی پرداختند. نمونه بارز فیلم «عروس آتش» خسرو سینایی هم نقدی جدی به بخشی از سنت‌های عشیره‌ای مردم جنوب درباره ازدواج بود اما قصدش نه تحقیر مردم بومی یک منطقه که آگاهی بخشی آنها نسبت به رسمی غلط بود. فیلمی مثل «عروس آتش» مصداق سینما علیه مردم نیست گرچه برخی از مردم بومی در زمان اکران فیلم نسبت به آن اعتراض کردند. اساساً سینمای آینه‌ای است که باید خود را در آن ببینیم؛ چه خود و هویت فردی، چه خود و هویت جمعی و تاریخی.

hammihanmedia@gmail.com
@Hammihanonline
https://t.me/hammihanonline
@Hammihanonline

• صاحب امتیاز و مدیرمسئول: غلامحسین کرباسی • مشاوران: عباس عبدی و احمد زیدآبادی • سردبیر: محمد جواد روح • سردبیر آنلاین: افشین امیرشاهی • معاون سردبیر: مهرداد خدیر • دبیران گروه‌ها: فرزانه پهرانی (اقتصاد) • آرمن منتظری (دیپلماسی و بین‌الملل) • علی ورامینی (رسانه و فرهنگ) • سمیه متقی (سیاست) • آرش خاموشی (عکس) • هادی حیدری (طرح و کاریکاتور) • شبنم رحمتی (معاون آنلاین) • مدیر هنری: مهدی قربانی تبار • حروفچینی و ویراستاری: شهرام هادی، مدیر اداری و آگهی‌ها: شاهرخ حیدری • تلفن روابط عمومی: ۸۸۷۴۹۳۰۵۰ • تحریریه: ۸۸۷۳۰۲۹۱ • آگهی‌ها: ۸۸۷۳۵۴۰۷ • نشانی: خیابان شهید بهشتی، خیابان پاکستان، کوچه دوازدهم، پلاک ۱۸، لیتوگرافی و چاپ: هم‌میهن • توزیع: نشر گستر امروز نوین • تلفن: ۰۲۱-۹۱۳۰۴۱۴۲



نویسنده‌ای که غریبانه زیست

سهیل محمودی و محسن بنی فاطمه
به بهانه درگذشت محمدعلی علومی از او گفتند



ندا زنگینه

خبرنگار فرهنگ

جهان است.

او معتقد است که اگر محمدعلی علومی در یک کشور دیگر مانند کشورهای جهان اول و کشورهای که زمینه رشد اهالی فرهنگ را فراهم می‌کنند، زندگی می‌کرد، به‌طور طبیعی درگیر مشکلات پیش‌افتاده زندگی نمی‌شد که از خلایق باز بماند. آثار او گسترش پیدا می‌کردند و در جامعه خودش دیده و خوانده می‌شدند.

علمی شخصیتی صمیمی داشت

عناصر بومی و ملی شاخصه‌ای پررنگ در قلم محمدعلی علومی بود. همچنین این نویسنده کتابی به نام «قصه اساطیر» دارد که موضوع آن تطبیق، بررسی و تحلیل افسانه‌های ایرانی با مبانی اساطیری است و افسانه‌های رایج در فرهنگ عمومی را دربر می‌گیرد.



محسن بنی فاطمه درباره این موضوع می‌گوید: «ما اگر سیر کاری محمدعلی علومی را بررسی کنیم از کارهای اول‌شان که داستان‌های کوتاهی بودند تا همین اواخر که یکی، دو رمان منتشر نشده هم داشتند، همه کتاب‌ها دارای قالبی بدیع و سرشار از عناصر بومی و ملی هستند. آثار استاد سیر تصور فوق‌العاده‌ای را طی کردند و کارهای اولیه به همان قدرت آثار اخیر ایشان هستند. این اواخر طنز شاخصه اصلی کارشان شده بود اما اینگونه نبود که طنز به‌طور کامل بر داستان غالب شود و شما دوباره همان ویژگی‌های نثر و ادبیات اقلیمی را در آثارشان مشاهده می‌کردید.»

محمدعلی علومی یکی از بهترین نویسندگان ایرانی بود که قدر او دانسته نشد. معمولاً در ادبیات ما پس از فوت یک نویسنده به آثار او توجه بیشتری می‌شود. بنی فاطمه در پاسخ به این پرسش که چرا آثار محمدعلی علومی آنطور که باید در ایران شناخته نشد؟ توضیح می‌دهد: «آقای علومی شخصیت فوق‌العاده گرمی داشتند و در قشرهای مختلف ادبی همه او را می‌شناختند و کارهایشان را می‌خواندند، اما شاید این موضوع به‌شاکله جامعه ادبی ما باز می‌گردد که هنوز برخی ساختارها در این جامعه شکل نگرفته است. به‌طور مثال در کشورهای دیگر مشاهده می‌کنیم که در کنار نویسندگان شخصی مانند مدیر برنامه برای انجام کارهای حرفه‌ای، برای ارتباط با ناشران و... حضور دارند. متأسفانه در ایران این نگاه حرفه‌ای وجود ندارد و اگر در کنار شخصی مانند آقای علومی فردی به‌عنوان مدیر برنامه وجود داشت قطعاً کارهایشان بیشتر دیده می‌شدند.»

«محمدعلی علومی مانند آب روان لال بود. شما آنچه را که در دل او بود در چهره، صدا و رفتارش می‌دیدید.» بنی فاطمه با بیان این جملات درباره خصوصیات اخلاقی علومی می‌گوید: «بعید می‌دانم کسی خاطره ناخوشی از آقای علومی داشته باشد. او بسیار انسان لطیف و گرمی بود. شما هر زمان به او می‌رسیدید، با یک حکایت گرم رابطه را برقرار می‌کرد و بسیار جذاب با مردم ارتباط می‌گرفت. حیف شد که ما نتوانستیم در زمان حیات بهره‌زادی از حضور ایشان ببریم.»

بنی فاطمه با یادآوری از سه محمدعلی نویسنده که اهل کرمان بودند گفت‌وگوی خود را به پایان می‌رساند: «متأسفانه در سال‌های اخیر کرمان ۳ محمدعلی نویسنده را از دست داده است؛ ابتدا محمدعلی آزادی‌خواه که برنده جایزه کتاب سال شد، سپس محمدعلی مسعودی و حالا هم محمدعلی علومی. جالب این است که این سه نویسنده رابطه و دوستی فوق‌العاده‌ای با یکدیگر داشتند اما افسوس آنطور که باید به این نویسندگان توجه نمی‌کنیم.»

محمدعلی علومی آنگونه زیست که اکنون اهالی قلم در فراغ او از این نویسنده با صفاتی مانند شریف، صمیمی، باسواد و... یاد می‌کنند؛ نویسنده‌ای که به عقیده بسیاری آثارش آنطور که باید و شاید شناخته نشدند. نویسنده‌ای که یوسف علیخانی مدیر نشر موت به یادش نوشت: «محمدعلی علومی جوهری زندگی کرد که می‌خواست و جوهری رفت که...»

چهره

فراموش شدن پیش از مرگ

فریماه فرجامی متولد ۱۸ اردیبهشت‌ماه ۱۳۳۱ در حالی ۹ تیرماه ۱۴۰۲ در ۷۱ سالگی درگذشت که حداقل از دو دهه پیش‌تر، از صحنه سینمای ایران کنار رفته بود. یعنی نسل جدید سینمادوستان ایرانی او را به‌شکل شایسته روی پرده سینما ندیده بودند. عمر کارنامه حرفه‌ای او حدود یک‌دهه بود. در دهه ۱۳۶۰ با مسعود کیمیایی، داریوش مهرجویی و علیرضا داوودنژاد همکاری کرد و در سال آخر این دهه بازی‌اش در «پرده آخر»، یکی از نقاط اوج کارنامه‌اش را رقم زد و جایزه جشنواره فجر را هم برد. یک‌سال بعد «ترگس» در ابتدای دهه ۷۰ نقطه اوج فعالیتش را رقم زد. هر بازیگر دیگری بعد از این دو موفقیت، بیشتر صعود می‌کرد اما فریماه فرجامی گویی مسیر معکوس را پیش گرفت. او که آخرین حضورش روی پرده سینما به نقشی در فیلم «لامینور» به کارگردانی داریوش مهرجویی در سال ۱۳۹۸ برمی‌گشت پس از طی یک‌دوره بیماری منجر به کما در ۷۱ سالگی درگذشت.



کتابخانه

از آرمان خواهی تا آرمان‌گریزی

«یوتوپیا و دیستوپیا در ایران معاصر (جلد اول): نگاهی جامعه‌شناختی به ساخت قدرت، جنبش‌ها و جریان‌های سیاسی - اجتماعی. جلد دوم: بررسی تطبیقی آثار ادبی در دوره تاریخ معاصر ایران»، نوشته میترا زرگر توسط نشر لوگوس منتشر شده است. کتاب حاضر با اتکا به بینشی جامعه‌شناختی-تاریخی و با لحاظ کردن زمینه‌های جهانی، سعی در معرفی و موشکافی لایه‌هایی دارد که نقشی تعیین‌کننده در تحولات داشته‌اند. در جلد نخست این مجموعه، به تفصیل به بسترهای جهانی پرداخته می‌شود که در ترکیب با ساختار نظام اجتماعی ایران، سبب می‌شوند تا در برهه‌های روح آرمان‌خواهی بر جامعه دمیده شود و در برهه دیگر اما جامعه شاهد غلبه



یوتوپیا و دیستوپیا در ایران معاصر (دو جلد)

نویسنده: میترا زرگر
انتشارات: لوگوس

مشی آرمان‌گیزانه باشد. در برهه نخست از دوره مورد بحث، یعنی از دهه ۱۳۴۰ تا ۱۳۷۰، آرمان‌خواهی مهم‌ترین تغییر و تنها امکان برای رسیدن به سعادت ابدی دانسته می‌شد و در مقابل از دهه ۷۰ شمسی به این سو، قاطبه جامعه با بی‌اعتنایی به آرمان‌های جمعی، سعادت را در تکریم فرد و بازتعریف و آشکارسازی هویت‌های فردی کنعان‌شده تعبیر می‌کنند. این کتاب، با ریزینی در آثار مطرح ادبی، به مقایسه جایگاه «آرمان‌خواهی» در هر یک از این دوره‌ها می‌پردازد.

تاریخ

منع خروج طلا و نقره از ایران



هجدهم اردیبهشت‌ماه ۱۲۹۴ قانون جلوگیری از خروج طلا و نقره از ایران به تصویب مجلس شورای ملی رسید. براساس ماده یک این قانون، از تاریخ تصویب این قانون تا آخر مردادماه ۱۳۳۳، خارج کردن شمش و مسکوک نقره و طلا به طریق مال‌التجاره و کلی پستال از ایران ممنوع شد. طبق ماده ۲ نیز، این قانون باید از طرف دولت به وسیله اداره گمرکات و پستخانه و سایر ادارات مربوطه به‌موقع اجرا گذارده می‌شد. براساس همین قانون، دولت ایران در اواخر دوره قاجار برای جلوگیری از حمل و نقل طلا و نقره به خارج تصمیماتی گرفت و مواد زیر را در یازدهم مهرماه ۱۳۰۰ به مأموران مرزی ابلاغ کرد: نخست آنکه مأموران سرحدی اعم از کشوری و لشکری موظفند مسافران و دیگران را که به خارج مسافرت می‌کنند، با کمال دقت، تفتیش و محمولات زر و سیم آنها را ضبط کنند. دوم، کسانی که متصدی حمل طلا و نقره به خارج هستند در صورتی که محمولات خود را پنهان کنند، تنبیه شوند. در این قانون البته اعضاء و کارکنان سفارتخانه‌های خارجی از تفتیش مستثنی شدند.